

جریان شناسی سیاسی - فکری عصر امام هادی (علیه السلام)

سمیه شریفی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، علی اکرم منصوری^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن از حوزه علمیه جامعه الزهرا (س) قم، پژوهشگر و فعال فرهنگی

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۳ دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، فعال فرهنگی و کارمند کمیته امداد امام خمینی

^۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

چکیده

امام هادی (ع) در دوران امامتش شرایط و فضای سیاسی بسیار سختی در پیش داشت. عصر امام هادی (ع) از دوره های مهم گسترش و تثبیت تشیع بوده و مقاله ی حاضر با بهره گیری از روش مطالعات اسنادی و تحلیلی در منابع تاریخی آن دوره ارائه شده است. امام هادی (ع) به مدت ۳۳ سال هدایت معنوی و سیاسی شیعیان اثنی عشری را بر عهده داشتند. با تمرکز بر تاریخ اسلام، می توان جریان فکری و سیاسی دوران امامت امام دهم را ذیل سه جریان قرار داد: ۱-جریان عباسی: که پس از سقوط خلافت امویان اداره ی سرزمین های اسلامی را به دست گرفتند. آنان همانند علویان با شعار «الرضا من آل محمد» وارد رقابت سیاسی شدند و از لحاظ مبانی کلامی وابسته به اهل سنت بودند؛ ۲-جریان علوی: علویان گروهی بودند که با اصل کلامی امامت به میدان آمده بودند و هدف آنان براندازی حکومت عباسیان و قرار گرفتن خلافت به دست علویان بود؛ و ۳-جریان ملی گرایی: جریان ملی گرایی در زمان امام هادی (ع) به وجود آمد و به تیره ی حسن بن علی (ع) و امام حسین (ع) منتسب بودند. اندیشه ی سیاسی امام هادی (ع) و دشمنان اسلام کاملاً مشخص است. تنگناهای سیاسی زیادی وجود داشت که امام هادی (ع) با آن ها مواجه بود و ایشان ضمن رعایت تقوای الهی و صداقت و یکرنگی، شایسته سالاری را در عرصه ی سیاست لازم و ضروری دانسته اند. مردم نیز باید آگاهانه و با اطلاعات کافی و داشتن روحیه ی نصیحت و خیرخواهی، بدون تعصب امورات زندگی خویش و حکومت خودشان را با راهبردهای سیاست متناسب ایشان در آن دوران اتخاذ می کردند.

واژه های کلیدی: امام هادی (ع)، عباسیان، جریان شناسی، سیاسی، فکری.

مقدمه

جریان سیاسی هر کدام از معصومین دارای شرایط خاصی بوده است، از این رو اندیشه و عمل سیاسی ائمه (ع) باید ظرف زمانی خاصی مورد مطالعه قرار گیرد. امام هادی (ع) در عصری می زیست که در آن زمان پایه های حکومت عباسیان استوار گشته بود و خلفای این سلسله به عنوان حاکمان اسلامی، حکومت می کردند. تمام نظام های سیاسی و جریان های مخالف چالش گر در این دوران به وجود آمده بود و هر کدام مدعی حکومت خاصی بوده اند و جریان فکریشان بیشتر مشروعیت سازی نیز خود بوده و جریان حاکمان عباسیان را غاصب حکومت دانستند. در مقاله ی محمد علی چونگر (۱۳۹۶) در مجله ی تاریخ اسلام، سیاست امام هادی (ع) در برخورد با مسئله ی خلق قرآن خلق بررسی شده است، ولی در تحقیق حاضر به قید فکری و جریان شناسی اشاره شده است. همچنین، در مقاله ی بازشناخت نقش های سیاسی بانو حدیث همسر امام هادی (ع) از ناهید طیبی (۱۳۹۶) در مجله ی تاریخ اسلام به بازشناخت ها و نقش سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است و به جریان شناسی فکری و سیاسی امام هادی (ع) اشاره ای نشده است. همچنین، در مقاله ی سیره سیاسی امام هادی (ع) در مجله گنجینه ی معارف (۱۳۹۷)؛ سیره ی سیاسی امام هادی (ع) بررسی شده ولی به جریانات فکری اصلاً اشاره نشده است. به طور کلی می توان گفت قلمرو نوشتار این تحقیق بر جریان شناسی فکری و سیاسی متمرکز بوده و قید فکری- سیاسی جریاناتی وجود دارد که دارای فکر و اندیشه نظامند و درگیر بازی سیاست و قدرت شده بودند.

این مقاله، قلمرو موضوعیش در جریان شناسی فکری و سیاسی بوده است. قید (فکری و سیاسی) به معنای آن است که اولاً دارای اندیشه ی نظامی و ثانیاً در عرصه ی بازی سیاست و قدرت بوده است. در زمان امام هادی (ع)، گروهی از احزاب بعضی اوقات برای منافع شخصی خود بدون مبانی فکری خاص دست به شورش می زدند. به طور کلی شناخت جریان های سیاسی در هر عصری فضای سیاسی حاکمیت آن دوره را تا حدودی روشن می کند و محور این تحقیق نیز پاسخ به این سوال خواهد بود که در دوران امامت امام هادی (ع) چه جریان های فکری و سیاسی حضور داشته و آیا این جریان های فکری- سیاسی به معنای یک طیف گسترده ی کلامی- اعتقادی سیاسی بوده اند؟

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. جریان شناسی و جریان در اصطلاح

از نظر لغوی، جریان به معنای روان شدن، گردش و جاری گشتن جریانات به معنای وقایع روزمره است. (عمید، ۱۳۷۱: ۸۱۱) شکل جمعیت و گروه اجتماعی معین بر مبانی فکری از نوع ویژه ی اجتماعی برخوردار بوده اما جریان شناسی به چگونگی شکل گیری، معرفی موسسان و چهره های علمی و اثرگذار در گروه های کلامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اطلاق شده است. (خسرو پناهی، ۱۳۸۵: ۹)

۲. جریانات فکری و سیاسی زمان امام هادی (ع)

امام هادی (ع) علاوه بر مبارزه با حاکمان عباسی با جریان های منحرف فکری نیز مبارزه می نمود. آن حضرت با شش تن از خلفای عباسی معاصر بود. آنان به شدت امام هادی (ع) را زیر نظر داشتند و به اجبار ایشان را از مدینه به سامرا احضار نمودند تا آن حضرت نتواند با شیعیانش ارتباط داشته باشد. خلفای دوران امام هادی (ع) افرادی خوش گذران و ظالم بودند و تا آن جا که توانستند آن حضرت را در محدودیت قرار دادند تا نتواند در میان جامعه باشد و با آن ها ارتباط برقرار کند. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۷۶/۵۰) که البته این ظلم و ستم ها خود منشا نهضت ها و قیام هایی شد. امام هادی (ع) نیز علیرغم تمام محدودیت هایی که برای ایشان ایجاد نموده بودند، در هر فرصت مناسبی با استدلال های متین و مستند به قرآن و سنت به مقابله با عباسیان

برخواست. علاوه بر این، در دوره‌ی امام هادی (ع) به سبب ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه که از دوره‌های پیشین و نهضت ترجمه شروع شده بود، جامعه‌ی اسلامی شاهد بحران‌های فکری و عقیدتی بود که به اجمال به تبیین این جریان‌ها و شیوه‌ی صحیح برخورد امام هادی (ع) با آن‌ها که مبتنی بر استدلال به آیات قرآن و سنت معصومان است، پرداخته می‌شود. در این عصر چندین جریان فکری و کلامی عمده همچون واقفیه، غلات، مفوضه، جبریه، صوفیه و مجسمیه، اشاعره و معتزله جامعه را بحران‌های فراوان عقیدتی- فکری مواجه ساخته بودند.

۲-۱. جریان‌های سیاسی

علیرغم کنترل مرکزیت سامرا و نظارت بر رفت و آمد و ارتباط با امام هادی (ع)، نهضت‌ها و شورش‌های اعتراض‌گونه به فساد و انحراف دستگاه خلافت در مناطق مختلف مشاهده شد، طوری که در فاصله‌ی سال‌های ۲۱۹ هجری تا ۲۷۰ هجری، ۱۸ قیام و شورش علوی و غیر علوی ثبت شده است. اگر چه با کمی جمعیت انقلابیون و ضعف امکانات و ساز و برگ جنگی و قساوت دستگاه خلافت عباسی، تمامی این قیام‌ها با شکست مواجه شد.

امام هادی (ع) با شش تن از خلفای عباسی معاصر بود، متعصم در سال ۲۱۸ هجری قمری با مرگ مامون به خلافت رسید و تا سال ۲۲۷ هجری قمری حکمرانی کرد. معتصم بارها امام هادی (ع) را با سوال‌ها و مسائل بسیار مشکل و پیچیده آزمایش کرد ولی همیشه ائمه (ع) سربلند بودند و در مقابل هر سوالی به بهترین و کامل‌ترین شکل پاسخ می‌دادند. پس از درگذشت او، فرزندش «الواثق بالله هارون بن ابی اسحاق» به خلافت دست یافت. او در سنگدلی و بی‌رحمی روحیه‌ی مامون پدرش را پیش گرفته بود و جان افراد بسیاری را در مسئله‌ی حدوث یا قدم قرآن گرفت. در دوره‌ی واثق مسئله‌ی خلق قرآن مطرح شد و آن بهانه‌ای برای ریختن خون بسیاری از مخالفان حکومت شد. امام برای نجات شیعیان از افتادن در این فتنه نامه‌هایی به تعداد زیادی از بزرگان شیعه نوشت و ضمن اعلام نظر خود، دوستان و شیعیان خود را از داخل شدن در این فتنه بر حذر داشت. واثق سرانجام در سال ۲۳۲ هجری قمری درگذشت. (ابن ابی یعقوب، ۲: ۱۳۹۷/۱۱۰/۵۱۰)

تقریباً نصف دوره‌ی امام هادی (ع) با خلافت متوکل معاصر بود. اگر چه همه‌ی خلفای بنی عباس در آزار و صدمه زدن به شخص امام و سازمان تشیع سعی زیادی داشتند ولی در این میان «متوکل» در ظلم و ستم به حضرت و سنگدلی گوی سبقت را از دیگران ربود. متوکل بسیار تندخو و بی‌رحم بود که همگان را با تندی خود می‌راند تا اندازه‌ای که هرگز محبت او به کسی دیده نشد، از این رو همواره همگان از او به بدی و بدنامی یاد می‌کردند (همان: ۵۱۳/۲). در این دوره شیعیان زیادی مقتول، مسموم یا متواری شدند. از دیگر جنایت‌های متوکل تخریب مرقد شریف امام حسین (ع) و تبعید امام هادی (ع) از مدینه به سامرا بود تا هم امام و ارتباط شیعیان را تحت نظر بگیرد و هم پایگاه مهم و قوی شیعه در مدینه را تضعیف کند. از دیگر جنایت‌های متوکل این بود که گاه به گاه به ماموران خود دستور می‌داد تا ناگهانی به خانه‌ی امام ریخته و بازرسی کنند به امید آن که سلاح یا مدرکی دال بر فعالیت ایشان علیه حکومت به دست آورند، لیکن در این حمله‌های شبانه جز کتاب‌های علمی و دعا چیز دیگری یافت نشد.

گاهی متوکل فرمان می‌داد تا امام را در هر حالتی که هست به دربار بیاورند. «در یکی از این احضارها امام در حالی وارد شد که متوکل مست و لایعقل در کنار جام‌های شراب و در میان گروه‌های خنیاگر و رقاصه افتاده بود. امام بی‌توجه به خطرات احتمالی او را سرزنش کرد و در ضمن خواندن اشعاری به نصیحت‌گویی و یادآوری قیامت پرداخت. متوکل برآشفته و دستور داد آن حضرت را محبوس کنند». سپس شخصی از آن حضرت شنید که می‌گفتند: من از ناقه‌ی صالحه نزد خدا محترم‌ترم و سپس آیه‌ی «تمتعوا فی دارکم ثلاثه ایام ذلکو عد غیر مکذوب» را خواندند. پیش از ۳ روز نگذشت که متوکل به دست فرزندش

منتصر به قتل رسید. پس از متوکل فرزندش منقصر به خلافت رسید اما او بر خلاف نیاکان خود به کارهای شایسته رغبت نشان می داد، هر چند دوران حکومت او به درازا نینجامید و او را پس از شش ماه خلافت مسموم و به قتل رساندند (قمی، ۱۳۲۵: ۳۲۵/۲). پس از او «المستعین احمد بن محمد بن محمد بن معتصم» روی کار آمد که سخت شهوت پرست و اسراف کار بود. (همان) دوران حکومت او نیز چندان به درازا نکشید و در سال ۲۵۲ هجری قمری به دستور معتز در سامرا به قتل رسید. (مسعودی، ۱۹۸۵: ۵۶۸/۲) سرانجام حکومت به دست معتز افتاد. معتز در دشمنی با آل محمد (ص) و قتل دشمنان خلافت معروف بود. او وجود نورانی امام هادی (ع) را برنتابید و در زمان او حضرت مسموم شد و به جهان باقی شتافت. همچنین، در این زمان عده‌ی زیادی از شیعیان به قتل رسیده یا آن قدر در زندان ماندند تا وفات کردند.

۳. شرایط سیاسی عصر امام هادی (ع)

شکل گیری جریان فکری- سیاسی شیعیان اثنی عشر را تا زمان امام هادی (ع) می توان پنج دره برشمرد:
الف- دوره‌ای که با امام علی (ع) و نماد نهج اللاغه بود: این دوره به طور کلی اصل عقیدتی تشیع و نظام سیاسی و اخلاقی حقوقی در کلام امیرالمومنین (ع) بحث شده است.

ب- دوره‌ای که با حرکت تاریخی امام حسین (ع) شکل گرفته و این حرکت ماهیت سیاسی داشته است.
ج- دوره‌ای که با امامت امام هادی (ع) آغاز شده و فضای سیاسی و مرکز خلافت دچار جنگ داخلی قدرت بوده و نهاد خلافت مخالفان را هر چه بیشتر تحت نظارت قرار داده و گفتمان استبداد در این دوره زیاد بود.

د- دوره‌ی امام رضا (ع) که این مقطع تاریخی به عنوان یک جریان سیاسی و کلامی پرقدرت ظاهر شده به گونه‌ای که خلافت وارد گفتگو، بحث و مصالحه با امام و شیعیان می شود تا بتوانند خود را از مشروعیت و خطری که او را تهدید کرده حفظ کنند تا جایی که قدرت سیاسی حاکم مجبور شده تشیع به عنوان یک جریان مذهبی به رسمیت بشناسد.

در حقیقت، جریان های سیاسی و فکری زمام امامت امام هادی (ع) مانند امامان پیش از ایشان حول دو محور قرار داد، محور نخست جریان های مخالف اهل بیت (ع) که عمده ترین و قدرتمندترین جریان، عنوان خلافت اسلامی را به دوش کشید، محور دوم جریان فکری- سیاسی است که آن نیز توانمند و چالشگر عباسیان شده بود. عمده ترین جریان ها در جهت اهل بیت (ع) پدیدار شدند که این جریان مستقیم توسط ائمه (علیهم السلام) هدایت می شد.

۴- تلاش های سیاسی امام هادی (ع)

۴-۱. شبکه بندی سازمان وکالت

امام هادی (ع) در دفاع از حقانیت شیعه و گسترش تشیع در مناطق اسلامی دست به اقدامات گسترده زد که شبکه‌ی ارتباطی «وکالت» نام داشت. در زمان امام هادی (ع) موانع و مشکلات سیاسی- اجتماعی، لزوم حفظ هویت تشیع و زنده نگه داشتن هسته‌های مرکزی مقاوم، انسجام و گسترش شبکه‌ی وکالت را ضروری نمود. دوران طولانی امامت امام هادی (ع) (۲۲۰ تا ۲۴۵ هجری قمری) با بروز وضعیت جدید یعنی انتقال آن حضرت از مدینه به سامرا همراه بود و امکان تماس بین امام و مردم و پیروانش نقش مذهبی- سیاسی وکالت را افزایش نهاد و وکلای آن حضرت مسئولیت بیشتری در مدیریت امور یافتند که توانست حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند. زیر نظر بودن امام هادی (ع) تمام دوران زندگی ایشان را دربرگرفت و باعث ایجاد مشکل در برقراری رابطه با امام شد و باعث شد امام از طریق وکالت فعالیت های شیعه را مدیریت کند.

۴-۱-۱. سازمندی مبارزات

امام هادی (ع) با ظرافت بسیار شیعیان را سامان داد تا به جان و مالشان آسیب نرسد. زمانی که از قم و مناطق مختلف اموالی برای امام فرستاده بودند که شامل وجوهات شرعی، نذورات، هدایا و جواهرات بود امام دستور بازگشت آن را داد و پس از مدتی به حمل آن اموال بر شتران بی سوار و گسیلشان به سوی مبدا فرمان دادند. نمونه‌ی دیگر که امام هادی (ع) از همراهی آشکار یکی از یارانش بر حذر بود تا با دوستی آل محمد (ص) و حضرت شناخته نشوند و جان و مال او از دست درازی دارالخلافه مصون بماند.

۲-۴. امام هادی (ع) راهنمایی گمراهان

امام هادی (ع) برای تبیین جایگاه امام و مشخص شدن منزلت پیشوایان معصوم (علیه السلام) آثار ماندگار خویش یعنی «جامعه کبیره» را که در امام‌شناسی کامل و جامع است به دوستداران اهل بیت (ع) عرضه کرد. امام هادی (ع) در زیارت این کتاب، رخداد غدیر و پیشوایی اهل بیت (ع) را در چشم مردم و حاکمان برجسته بازگو می‌کرد و زمان معتصم (خلیفه‌ی عباسی) زیارت ویژه را برای پیروان خویش عرضه کرد. (Hawzah.net/fa/articie)

دوران امامت امام هادی (ع) سه جریان فکری و سیاسی را می‌توان رصد کرد:

جریان عباسی: عباسیان در دوران امامت امام هادی (ع) به عنوان جریان حاکم و نیرومندترین جریان محسوب می‌شد. این جریان که پس از سقوط خلافت امویان در سرزمین های اسلامی بود و از لحاظ مبانی کلامی، دشمنی آشکار با معتزله در پیش گرفته و در نتیجه‌ی آن عباسیان به اهل حدیث نزدیک شدند، چنان که متوکل عباسی به مبارزه‌ی مستقیم با مذهب معتزله پرداخت و فقیهان ضدمعتزلی را دعوت و آن‌ها را اکرام کرد. همچنین، به آن‌ها جایزه داد و خواست تا در مساجد بنشینند و احادیثی را در رد معتزله بیان کنند. در حقیقت آغاز امامت امام هادی (ع) با آغاز عصر دوم عباسی همزمان بود که این عصر در بسیاری از مظاهرش با دوران اول اختلاف دارد و مهم‌ترین ویژگی آن نیرومندی خلافت و متمرکز کردن قدرت در دست خلفا بود که به لحاظ مهارت سیاسی نیرومند بودند و توانستند روابط مستحکمان را با کسانی که در فاصله‌ی آماده‌سازی انقلاب و پشتیبان آن‌ها بودند حفظ کنند. همانطور که عناصر شورشی و کسانی که به نفوذ قدرت چشم داشتند به استثنای آن چه در اندلس و برخی از مناطق شمال آفریقا روی داد از خود نشان داده و توانستند نوعی توازن میان گرایش‌های سیاسی مختلف که بعد از برپایی حکومت پدیدار شد را به وجود آورند.

این پدیده در دوران دوم عباسی که با مرگ مامون و خلافت معتصم آغاز شد تغییر کرد و شرایط حکومت از مرکزیت به تمرکز نداشتن تبدیل شد و حکومت‌های جداگانه و مستقل که استقلال کامل یا شبه استقلال با اعتراف به قدرت معنوی سلطان داشتند به وجود آمدند. در این دوره، افرادی خارج از دایره‌ی اعراب به جامعه اسلامی وارد تا به حکمرانی برسند و خلفا زیر نفوذشان قدرت پیدا کنند. این مسئله با کاهش نقش سیاسی آنان پدید آمد. در حقیقت در دوران دوم عباسی هر چه پیش می‌آمد نماد خلافت، شخص خلیفه جایگاه و قدرت خود را از دست می‌داد و تبدیل به دستگاه عرفی شده بود. جریان عباسی در عصر دوم منجر به فروپاشی روابط خلافت و منابع تقویت کننده‌ی آن شد که موجب ضعف آن گشت و خلیفه سمتش را به عنوان راس هرم سازمانی برای آن نظامی که بر زندگی اسلامی در عصر اول عباسی سیطره داشت و در پی آن قدرتی که در بین مردم به دست آورده بود از دست داد و در نتیجه دستگاه خلافت توسط دست پروردگار خود از سرداران سپاه عرب ترک و ایرانی تحقیر شد. (طوقس، ۱۳۸۰: ۱۶۳)

جریان علوی: در دوران امامت امام هادی (ع)، جریانی وجود داشت که با اصل کلامی امامت همراه و خود را شایسته‌ی رهبری سیاسی-دینی مسلمانان می‌دانست که جریان علوی نامیده شد. علویان در تاریخ اسلام جماعتی بودند که از اصول، آموزش و

ریشه‌داری برخوردار بودند. بسیاری از فرزندان و وارثان علوی به خلافت چشم دوخته بودند و معتقد بودند که عباسیان این حق شرعی را برده‌اند که باید به علویان بازگردد. این جریان به تیره‌های حسن بن علی (ع) و امام حسین (ع) نسب برده بودند. هدف آنان براندازی حکومت عباسیان و انتقال خلافت به اعضای علوی بود و این جنبش همگی در واقع نمودار عملی و عینی آموزه‌های فرقه‌های گوناگون شیعه بودند که در جوهر آرا و مبانی کلامی با یکدیگر مشترک بودند، اما در جزئیات و در عمل با هم اختلاف نظر داشتند. (الیثی، ۱۳۸۵: ۴۱۶) در دوران امامت امام هادی (ع) به دلیل روحیه‌ی تسلیم ناپذیری علویان در برابر ستم عباسیان و همچنین فشار بیش از حد عباسیان بر شیعیان و نسل‌کشی آن‌ها، چهره‌های برجسته و ممتاز علوی برای احقاق حق فرزندان ائمه (ع) و با انگیزه‌ی براندازی نظام عباسی با شعار «الرضا من آل محمد» قیام خود را آغاز کردند. (قاضی نعمان، بی تا: ۳۴۵/۳) علت این شعار را زیر سوال بردن مشروعیت خلافت عباسیان و غضبانه بودن حکومت آن‌ها و در گام دوم حفظ جان امامشان بود که در آن زمان تحت مراقبت شدید نظامی قرار داشت، زیرا اگر آن‌ها نام شخص خاصی را به عنوان امام بر نهضتشان می‌گذاشتند بی‌شک آن شخص غیر از امام هادی (ع) کسی نمی‌توانست باشد و این امر موجب می‌شد دستگاه خلافت آن حضرت را به آسانی از بین ببرد. (هادی منش، ۱۳۸۳: ۷۸) در دوران علویان، حرکت‌های بزرگ و کوچک زیادی که هر یک به نوعی به شخصیتی از خاندان علوی منتصب بود به وقوع پیوست. در میان آن‌ها حرکت‌هایی که دارای دو شرط مبنای فکری و هدف کسب قدرت بود بارزتر هستند که مهم‌ترین آن‌ها قیام «محمد بن قاسم»، قیام «یحیی بن عمر» و قیام «حسین بن محمد حمزه» بودند.

۵. دلایل ناکام ماندن نهضت علویان

عوامل بسیاری برای ناکامی نهضت علویان وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتست از:

۱- سرکوب شدید عباسیان: بهره‌گیری حکومت عباسیان از شیوه‌های سرکوب و مزید بر آن به کارگیری فرماندهان بی‌تجربه در امور نظامی عامل شکست قیام علویان بود.

۲- یکی از مشکلات اصلی علویان در قیام، نداشتن تحلیل دقیق از شرایط حاکم بر آن زمان و نبود همه‌جانبه نگری بود. فشار بیش از حد دستگاه آنان را به شدت برنگیخته بود که در مقابل حاکمیت قد علم کنند و به این فشارها پایان دهند.

۳- کمبود نیروهای انقلابی و پایبند به اصول و مبانی ارزش‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل ناکامی شکست نهضت‌های اسلامی بود.

۴- ناهماهنگی اعتقادی عناصر انقلابی به فرقه‌های کلامی موجود در عصر امام هادی (ع) که برداشت‌های گوناگون از مسئله‌ی امامت داشتند سبب شد که در اهداف و راهبردهای آنان نوعی سردرگمی و ناسازگاری به وجود آید. (هادی منش، ۱۳۸۳: ۸۳)

۶. ویژگی‌های عصر امام هادی (ع)

برخی از ویژگی‌های عصر امام هادی (ع) عبارتست از:

۱-۶. ضعف اعتقادی و رهبری دستگاه خلافت: عناصر خودخواه و قدرت‌طلب عباسی با اعمال سیاست‌های چپاول‌گرانه و گسترش فساد در حکومت به تدریج اعتماد مردم را از حکومت سلب کردند و رواج خوش‌گذرانی، می‌گساری و آواخوانی در حکومت عباسی منجر به فراغ بال خلفا از امور اداری و سیاسی بود و به همین دلیل حکومتشان رنگ اسلامی نداشت.

۲-۶. رخدادهای طبیعی: در دوره‌ی عباسیان رخدادهای طبیعی پی در پی رخ می‌داد که در تاریخ وقایع به ثبت رسیده است. در شهر موهول بر اثر جاری شدن سیل عده‌ی زیادی از مردم جان خود را از دست دادند و در دامغان، نیشابور و اطراف آن، زمین لرزه‌های پی در پی رخ داد که هزار نفر به کام مرگ فرو رفتند.

۳-۶. محدودسازی فعالیت امام هادی (ع): امام (ع) در مدینه از چنان محبوبیتی برخوردار بود که هیچ قدرتی توان موضع‌گیری علیه ایشان را نداشت. به همین دلیل، رفت و آمد مردم از نقاط مختلف به خانه‌ی ایشان از دید جاسوسان و کارگزاران حکومتی مخفی نبود اما این پیشوای دهم موضوع‌گیری علنی علیه حکومت عباسی را به صلاح ندانست و همان سیاست امام جواد (ع) و امام رضا (ع) را دنبال کرد. امام هادی (ع) به همراه «یحیی بن هرثمه» و حدود ۳۰۰ نفر سرباز از مدینه به سامرا آمد و در آن-جا تحت مراقبت جاسوسان متوکل قرار گرفت. با توجه به این که مشکلاتی برای آن امام ایجاد شده بود، فعالیت‌های اجتماعی و اعتقادی امام به طور کلی تعطیل نشد بلکه در قالب‌های دیگر ادامه یافت (معارف اسلامی، ش ۷۴).

۴-۶. جریان ملی‌گرای ترکان: جریانی است که در واقع از دل جریان عباسی سر برآورد. (طوقش، ۱۳۸۰: ۱۶۵۶) این جریان مرز بندی مشخصی نداشت و تلاشش بر این بود که برنامه‌های ملی‌گرایانه ترکی‌اش را از متن دستگاه خلافت پیش ببرد. این جریان که از لحاظ مبانی کلامی با جریان عباسیان تا حدود زیادی هم‌سنگ و هم‌نظر و هم کلام اهل سنت نیز بود به دنبال آن بود که از سال‌های محکوم واقع شدن ترک‌ها در خلافت امویان و عباسیان اعاده حیثیت نموده و در واقع سهم از دست رفته‌ی ترکان را در خلافت عباسیان پس بگیرد. به همین دلیل، این جریان برخلاف جریان‌های دیگر با چالش‌هایی همراه بود. جریان ترک‌ها جریان ملی‌گرایی بود که از نقش‌شان در امورات نظامی عباسیان بیشترین استفاده بردند تا آنجا که در تعیین و تغییر خلفا نقش مهمی را ایفا کردند.

در نتیجه اقدامات سیاسی امام هادی (علیه السلام) می توان چنین برداشت کرد.

۱- تثبیت و تبیین امامت: امام هادی (ع) موضوع امامت را در قالب‌های مختلف در برابر دولتمردان و برای برابر مردم مطرح کرد.

۲- غیر مشروع دانستن حکومت عباسی: امام هادی (ع) همکاری مردم با دولت عباسیان را ضروری نمی‌دانست و نامشروع بودن حکومت را اعلام کرد.

۳- فراهم کردن زمینه‌ی غیبت امام زمان (عج): امام هادی (ع) با توجه به اطلاع و آگاهی که از تحولات زمان خویش و فرزندش امام حسن عسگری (ع) داشت می‌دانست نوه‌ی عزیزش در پشت پرده قرار خواهد گرفت. ایشان با دقت و احتیاط، مردم را از این موضوع و پذیرش وجود امام زمان (عج) آماده می‌کرد

۷. جریان‌های فکری

در دوران امام هادی (ع) به سبب ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه که از دوره‌های پیشین و نهضت ترجمه شروع شده بود جامعه‌ی اسلامی شاهد بحران‌های فکری و عقیدتی بود که به اجمال به تبیین این جریان‌ها و شیوه‌ی صحیح برخورد امام هادی (ع) با آنان که مبتنی بر استدلال به قرآن کریم و سنت معصومان است پرداخته می‌شود. در این عصر چندین جریان فکری و کلامی عمده همچون واقفیه، غلات، مفوضه، جبریه، صوفیه و مجسمیه، اشاعره و معتزله جامعه را با بحران‌های فراوان عقیدتی-فکری مواجه ساخته بودند.

امام هادی (ع) در برخورد با جریان های فکری و کلامی عصرشان با تکیه بر استدلال های قرآنی آنان را مجاب می نمود. در زیر به برخی از این جریان ها اشاره می شود.

۷-۱. اقدامات فکری امام هادی (علیه السلام)

۷-۱-۱. واقفیه

یکی از جریان های فکری منحرف در دوران امامت امام هادی (ع) واقفیه بودند که معتقد بودند امام کاظم (ع) زنده است و آخرین امام نیز حضرت مهدی موعود (عج) است. امان هادی (ع) به شدت با آن ها مبارزه می کرد و حتی در جواب نامه ی یکی از شیعیان فرمود «نعم اقلت علیهم فی صلاتک»، آری (مجلسی، ۱۳۸۲: ۲/۲۰۳) در قنوت نماز آن ها را نفرین کن.

۷-۱-۲. صوفیه

از دیگر جریان های فکری منحرف در جامعه ی اسلامی در عصر امام هادی (ع)، صوفیه است. آنان کسانی هستند که ظاهراً دل از دنیا کنده و از دنیا بدورند و لباس درویشی می پوشند. اگر غذایی یافتند می خورند و اگر نیافتند صبر می کنند، ولی حقیقت این است که آن ها ریاکارند و راه غلط را می پیمایند. امام هادی (ع) درباره ی آن ها فرمود «والصوفیع کلهم من مخالفینا و طریقتهم مغایره لطریقنا و ان هم الا نصاری و مجوس هذا الامه، اولئک الذین یجهدون فی اطفاء نورا و الله یتیم نوره و لوکره الکافرون» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۲: ۴/۲۵۶)، همه ی صوفیان از مخالفان ما هستند و برنامه و روش آن ها با برنامه و روش ما مغایرت دارد. آن ها مطمئناً نصاری و مجوس این امت هستند، آن ها کسانی هستند که در خاموش نمودن نور خدا سعی می کنند... و خداوند نور خود را کامل می کند، گرچه کافران نپسندند.

۷-۱-۳. غلات

غلات انسان های تندرو، افراطی و بی منطق بودند که درباره ی امامت مبالغه ی بیش از اندازه نموده و امام را تا سرحد الوهیت و پرستش بالا می بردند. آن ها با بهره گیری از عقاید انحرافی خویش، بسیاری از واجبات الهی را حرام و بسیاری از گناهان کبیره را بر خود حلال شمرده بودند. امام هادی (ع) تلاش نمود مردم را با تعالیم اسلام و مفاهیم بلند قرآن کریم آشنا سازد و آنان را از افراط و تفریط به دور نگاه دارد، لذا از غلات که اعمالشان با مبانی اسلام و قرآن همخوانی نداشت اعلام بیزاری جسته و مورد لعن قرار می دادند و از شیعیان نیز می خواستند که از آنان دوری گزینند. (رجال کشی، بی تا: ۸۰۴/۲)

سران این فرقه عبارت بودند از علی بن حسکه قمی، محمد بن نصیر نمیری، حسن بن محمد معروف به ابن بابا قمی، فارس بن حاتم قزوینی و قاسم بن یقظین قمی. علی بن حسکه معتقد به الوهیت و ربوبیت حضرت هادی (ع) و رسالت نبوت خود و سقوط همه ی واجبات و فرائض دینی بود. (همان) محمد بن نصیر نمیری نیز با ابن حسکه در مسایل فقه هم عقیده بود علاوه بر آن که قائل به تناسخ بود، ازدواج با محارم و همچنین لواط را روا می شمرد. (همان)

پیشوای دهم در برابر افراد یاد شده و عقاید کفرآمیز آنان موضع گرفت و ضمن اظهار بیزاری از آنان، چهره ی پلید ایشان را برای همگان آشکار کرد و فرمود «فاهجروا هم لعنهما الله و الجنوا هما لیضیقا لطریق فانوجدتمنا حد منهم خلوه فاجر شرا سیها لحجر» (مجلسی، ۱۳۸۸: ۳۱۶)، از آنان دوری کنید، خدا آن ها را لعنت کند. اگر جایی خلوتی یکی از آن ها را یافتی با سنگ سر او را مجروح کن.

۷-۱-۴. مفوضه

در کنار فرقه ی منحرفه ی غلات، گروهی دیگر به نام مفوضه بودند که به استناد به این آیه از قرآن کریم «لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» (تکویر/ ۲۸) و امثال این آیات عوام را فریب می دادند و ادعا داشتند خداوند جهان و پدیده ها را آفریده و انسان را خلق

کرده و به دنیا آورده، تکالیف و مقررات را معین کرده و و کار خلق را به خوشان واگذار نموده است و دیگر کاری به کار آنها ندارد، در حالی که این اندیشه نوعی خلع خدا از قدرت می باشد.

۵-۱-۷. جبریه

در عصر امام هادی (ع) بین مردم منطقه ای اهواز بر مسئله ی جبر و تفویض مجادله رخ داده بود. شیعیان نامه ای به امام هادی (ع) نوشتند و از ایشان تقاضا کردند که دیدگاه و موضع صوابی که تشیع باید بدان معتقد باشد را توضیح دهند. امام هادی (ع) هم در جواب آنان و رد دیدگاه جبریون نامه ای طولانی به مردم اهواز مرقوم داشتند و در ابتدا مسئله ی امامت را پیش کشیدند و با بیانی مستدل و قانع کننده مبحث امامت از دیدگاه شیعه را شرح و بسط دادند. سپس، با استناد به احادیث امام صادق (ع) و آیات متعدد قرآن کریم به بیان مسئله ی جبر و اختیار پرداختند. آیاتی مانند «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف/۴۹)، پروردگارت بر هیچکس ستم نمی کند و «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (حج/۱۰) این کیفر به سزای چیزهایی است که دست های تو پیش فرستاده است و گرنه خدا به بندگان خود بیدادگر نیست، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (یونس/۴۴)، خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی کند لیکن مردم خود برخوشتن ستم می کنند.

۶-۱-۷. مجسمیه

فرقه ی مجسمیه تفسیرهای نادرستی از آیات متشابه مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/۱۰) و «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» (اعراف/۵۴) داشتند. آنان خداوند سبحان را جسم می پنداشتند و از این رو به مجسمیه شهرت یافتند. این گروه بسیاری از حقایق غیرمادی را انکار می کردند، برخی از اصحاب امام هادی (ع) در مورد تعامل با این گروه و تحت تاثیر قرار گرفتن عده ای از شیعیان از آن حضرت سوال کردند. امام در پاسخ نوشتند: پاک و منزّه است آن خدایی است که هیچ حد و مرزی ندارد. هرگز این گونه توصیف نمی شود، هیچ مثل و مانندی ندارد و او شنوای داناست. (صدوق، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

۷-۱-۷. اشاعره

اشاعره می پنداشتند خداوند را در روز رستاخیز می تواند دید. شیعیان در این باره به امام هادی (ع) نامه نوشتند، آن حضرت در جواب فرمود: پابندی به این نظریه به هیچ وجه جایز نیست، مگر نه این است که باید بین چشم شما و شی انعکاسی صورت گیرد که حامل نور باشد و سپس دیدن صورت پذیرد؟ حال اگر انعکاسی و نوری در میان نباشد و این ارتباط برقرار نشود چگونه امکان دیدن آن شی وجود دارد؟ در این نظریه اشتباهی بزرگ وجود دارد زیرا بیننده ی چیزی را می تواند با چشم خود ببیند که در جسم بودن با خود او مساوی باشد و صورت دیده شدن هر دو به سان هم جسم خواهند بود و لازمه ی آن، جسم دانستن خداست چرا که علت با معلول خود رابطه ی جدایی ناپذیر دارد. (طبرسی، ۱۴۱۶: ۴۸۲/۲)

۸-۱-۷. معتزله

معتزله قائل به تفویض و اشاعره قائل به جبرند. معتزله معتقدند خداوند اختیار کامل به انسان داده و امور را به او واگذار کرده است. امام هادی (ع) نیز مانند سایر امامان معصوم (علیهم السلام) قائل به امر بین الامرین بود و این نظر ایشان در نامه ای که به مردم اهواز در پاسخ پرسش آنان از جبر و اختیار نگاشته است به دست می آید. در آن نامه امام هادی (ع) به آیات و روایات فراوانی استناد می کند و می فرماید «خداوند» به انسان توانایی عنایت فرموده انسان بدین وسیله به انجام امور می پردازد نه جبر است و نه تفویض، بلکه امری است بین این دو. چنان چه معتقد به جبر شویم مانند این است که شخصی برده ی خود را به بازار بفروشد بدون اینکه پول در اختیار او بگذارد و از وی بخواهد برای او کالا خریداری کند. این عبد با دست خالی از بازار می گردد چون توانایی خرید نداشته است. آن گاه مولی او را مواخذه کند که چرا چیزی نخردی؟ بدیهی است که این ظلم

است. قائلین به جبر نیز می گویند: خدا به انسان هیچ توانایی عنایت نکرده و در عین حال از او انجام واجبات و ترک محرمات را خواسته و این ظلم است؛ «ولا لظلم ربك احداً» و چنانچه معتقد به تفویض شویم مانند این است که کسی برده بخرد و به او امر و نهی کند و او فرمان مولای خود را بپذیرد و اخرا الامر مولی از دست او خسته شده و او را به حال خود واگذار کند و بگوید: هر چه می خواهی انجام ده و چون او را مواخذه کند که چرا چنین کردی عبد در پاسخ بگوید: خودت امر را به من واگذار کردی و این عجز و ضعف مولا است. قائلین به تفویض همین مورد را در مورد خدا می گویند که خداوند هیچ چیز را از ما نخواسته و کار را به خودمان واگذار کرده و حال آن که خداوند می فرماید «وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ» (زمر/۷)، او راضی به کفر بندگان نیست. در پایان نامه، حضرت به این آیه استشهد می فرماید «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ». (زمر/۱۸-۱۷)

۸- فعالیت های قرآنی امام هادی (ع) در مقابله با جریان های نادرست سیاسی و فکری

امام هادی (ع) در مقابل حاکمان عباسی و نیز جریان های فکری باطل قیام نمود و بر اساس تعالیم والای قرآن کریم حقایق و معارف بلندی را ارائه نمود که به برخی از مطالب ارزشمند اشاره می شود.

۸-۱. ایجاد شبکه ی وکالتی

امام هادی (ع) با ایجاد شبکه های وکالتی به صورت مخفیانه با مردم در ارتباط بود. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۸۵/۵۰) امام با تاسیس این شبکه به سوالات و شبهاتی که شیعیان آن حضرت داشتند پاسخ می داد. این شبکه بغداد، مدائن، کوفه، بصره، اهواز، قم، همدان، یمن و حجاز را فرا گرفته بود. (پیشوایی، بی تا: ۵۷۰).

۸-۲. مبارزه با حاکمیت طاغوت

امام هادی (ع) در فرصت های مناسبی که به وجود می آمد با استناد به آیات قرآن کریم، حکومت عباسیان را نامشروع اعلام می کرد و همواره آن را گوشزد می نمود. شخصی به نام محمد بن علی بن عیسی که از دوستداران امام هادی (ع) است در نامه ای به امام نظر ایشان درباره ی کار کردن برای بنی عباس جویا می شود، امام با توجه به آیه «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۲) در پاسخ او می نویسد: آن مقدار از همکاری که به جبر و روز صورت گرفته اشکال ندارد و خداوند عذرپذیر است، ولی به جز آن ناروا و ناپسند است، ناگزیر اندکش بهتر از افرودنش است. او دوباره برای روشن شدن مطلب به امام (ع) می نویسد که انگیزه ی او از همکاری با آنان فقط یافتن راهی برای ضربه زدن به آن ها و تشفی خاطر است، امام نیز پاسخ می دهد در چنین صورتی همکاری با آن ها نه تنها حرام نیست بلکه پاداش و ثواب نیز دارد. (عاملی، بی تا: ۱۳۷/۱۲)

۸-۳. مبارزه با فقیهان درباری

روزی فرد مسیحی را که با زنی مسلمان زنا کرده بود نزد متوکل آورده بودند، متوکل خواست حد شرعی را بر او جاری سازد که در همین لحظه مرد مسیحی اسلام آورد. حکم را به قاضی القضاات «یحیی بن اکثم» ارجاع دادند او گفت: مسلمان شدن او کفر و عملش را از میان برده و نباید بر او حد جاری شود. قضیه مورد اختلاف قرار گرفت و برخی دیگر از فقیهان گفتند: باید سه مرتبه حد بر او جاری شود. برخی دیگر نیز به گونه ای دیگر فتوی صادر کردند. پراکندگی نظرها، متوکل را بر آن داشت تا مسئله را با امام هادی (ع) در میان بگذارد. امام در پاسخ فرمود: «او باید آن قدر شلاغ زده شود تا بمیرد». این فتوای امام با انتقاد و مخالفت شدید فقهای درباری به ویژه یحیی بن اکثم رو به رو شد. از این رو از متوکل خواستند که از آن حضرت مدرک و مستندات این فتوی ایشان را بیان کند. امام در پاسخ فرمود: مستندش این آیات هستند «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ»، «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سَتَ اللَّهُ آلَتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ

هَذَاكَ الْكَافِرُونَ»، (غافر/۸۴-۸۵) «هنگامی که قهر و قدرت ما را دیدند گفتند به خدای یگانه ایمان آوردیم و به بت‌ها و عناصری که آن‌ها را شریک خدا قرا داده بودیم کافر شدیم، ولی ایمانشان هنگام دیدن قدرت ما سودی نخواهد بخشید و این سنت و حکم الهی است که در میان بندگان وی جاری است و پیروان باطل در چنین شرایطی زیانکار شدند». امام با این آیه به آنان فهماند که اسلام آوردن آن مسیحی حد را ساقط نمی‌کند. متوکل پاسخ امام را پذیرفت و حکم همانطور که امام فرموده بود اجرا شود. (عاملی، بی تا: ۴۰۸/۱۸)

۴-۸. مبارزه با غالیان

امام هادی (ع) در ادامه‌ی فعالیت امامان پیشین با غالیان درگیر شد، زیرا در میان اصحاب ایشان نیز افرادی از این گروه وجود داشتند. احمد بن محمد بن عیسی یکی از شیعیان دانشمند و معتدل که سخت به ائمه‌ی طاهرین دل بسته بود و با هر گونه غلبه در دین مخالف بود نقل کرده است که طی نامه‌ای از امام هادی (ع) سوال شد: احادیثی را به شما و پدران گرامیتان نسبت می‌دهند که دل‌ها از شنیدن آن مضمئز است و بدان دلیل که آن احادیث از پدران بزرگوار شما نقل می‌شود، جرات رد آن را به خود نمی‌دهیم. آنگاه ادامه می‌دهد: علی بن حسکه و قاسم یقطینی که خود را از موالی و منصبان شما معرفی می‌کنند نقل می‌کنند که در آیه «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر»، اشاره به شخصی است که اهل رکوع و سجود نبوده است. همین طور منظور از «زکات» مردی مشخص است نه پرداخت مبلغی درهم و دینار و اموری از فرائض و سنن و معاصی را بر همین منوال تأیید می‌کنند، اگر مصلحت می‌دانید این امر را برای ما روشن فرمایید و به پیروانتان منت گذاشته آن‌ها را از منجلا ب این چنین تاویلات انحراف آمیز نجات دهید. آن حضرت در جواب نوشتند: این گونه تاویلات از دین ما نیست از آن بهره‌یزد.

۵-۸. بیان معارف قرآنی در قالب دعا

زیارت جامعه کبیره که از امام هادی (ع) به ما رسیده است برگرفته از آیات قرآن کریم است. در فرازی از آیات این زیارت می‌خوانیم «السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدَّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ وَالذَّادَةِ الْحَمَاهِ وَأَهْلِ الذَّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ» که در این فراز به تفسیر عبارت «اهل الذکر و اولی الامر» است که مراد از آن‌ها ائمه معصومین (ع) است و نیز در این زیارت آمده است که «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»؛ که در شان امام علی (ع) است و اشاره به جریان «لیله المبیت» دارد.

۶-۸. مناظره قرآنی مکتوب امام هادی (ع) با یحیی بن اکثم

پاسخ‌های مستدل قرآنی امام هادی (ع) به شبهات یحیی بن اکثم، قاضی القضاة متوکل عباسی، مناظره‌ی مکتوبی است که بین آن حضرت با یحیی بن اکثم صورت گرفته است. یحیی بن اکثم ۱۳ شبهه را ذکر نموده و بیشتر این شبهات و پاسخ‌هایی که امام دادند قرآنی است، مانند سوال از خروج آدم از بهشت، احتیاج سلیمان پیامبر (ع) به علم آصف برخیا، جواز سجده یعقوب در برابر حضرت یوسف (ع)، شکایت پیامبر (ص) نسبت به نزول وحی بر خود، مصداق «کلمات خدا»، چرا آدم از بهشت بیرون آمد؟ ممنوعیت در بهشت معنا ندارد، تمسک به ظاهر برخی آیات برای توجیه بزهکاری «أَوْ يُزَوِّجَهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا»، (شوری/۵۰) پذیرش گواهی یک زن به تنهایی در حالی در سوره‌ی طلاق از شهادت دو مرد سخن گفته است. (قمی، ۱۳۲۵:

(۱۲۹/۱)

۷-۸. ارائه تفسیر صحیح آیات قرآن

گاهی برخی از اصحاب از امام هادی (ع) شبهات و سؤالاتی در مورد برخی آیات داشتند که حضرت به آن سؤالات و شبهات پاسخ می دادند و نیز گاهی تفسیرهای اشتباهی برای آیات بیان می شد که حضرت آن را اصلاح می نمود به برخی از این موارد اشاره می شود.

۱-۷-۸. حادث یا قدیم بودن قرآن

دز زمان امام هادی (ع) معتزله معتقد به مخلوق بودن قرآن بودند، اما متوکل عباسی جانب اهل حدیث را گرفت و به این ترتیب به دوره «محنه القرآن» پایان داد ولی بحث همچنان رونق داشت و تا مدت ها در جامعه اسلامی مطرح بود. (سیوطی، ۱۴۲۵: ۳۱۲) امام هادی (ع) مصلحت را سکوت در برابر این بحث و جدال فکری دید و مسلمانان را از چنین مباحث بیهوده ای بر حذر داشت. ایشان در پاسخ یکی از شیعیان بغداد توصیه نمودند که بحث و جدل درباره قرآن که آیا مخلوق است یا قدیم بدعتی است که سوال کننده و جواب دهنده در آن شریکند و فایده ای در این بحث نیست، زیرا پرسش کننده دنبال چیزی است و سزاوار او نیست و پاسخ دهنده نیز بی جهت خود را به زحمت و مشقت می افکند که بیرون از توان اوست. خالق، جز خدا نیست و به جز او همه مخلوق اند. قرآن کریم نیز کلام خداست و از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی گشت. (صدوق، ۱۳۸۷: ۲۲۴)

۲-۷-۸. تازه بودن قرآن در همه ی زمان ها

يعقوب بن سكتيت نحوى مى گوید امام هادی (ع) فرمودند «ان الله تعالى لم يجعله لزمان دون زمان و لناس دون الناس، فهو فى كل زمان جديد و عند كل قوم غرض الى يوم القيامة» (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۸۰)، خدای سبحان قرآن کریم را برای زمان خاص بدون زمان دیگر و برای مردمی خاص بدون مردم دیگر قرار نداده است. از این روز قرآن تا قیامت در هر زمان نو و نزد هر ملتی تازه است.

۳-۷-۸. نهی قرآن از درخواست بیجا از پیامبران

امام هادی (ع) در تفسیر آیه ی «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (بقره/۱) فرمود: «ام تریدون»، یعنی بلکه ای کفار قریش و یهود شما از پیامبر خود همان معجزات پیشنهاد شده ای را که نمی دانید به صلاحتان است یا نه می خواهید که قبلاً آن را از موسی (ع) خواستند و به ایشان پیشنهاد کردند و گفتند که «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمْ» (بقره/۵۵)، ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکار ببینیم پس صاعقه شما را فرا گرفت. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۴۷/۱۷)

۴-۷-۸. در حرمت میسر

ابراهیم بن عنبسه به امام هادی (ع) نوشت چنانچه سرور و مولایم مصلحت بداند بفرماید که مراد از «میسر» در آیه شریفه ی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ». (بقره/۲۱۹) چیست؟ امام هادی (ع) در پاسخ نوشت هر آنچه با آن قمار شود میسر است و هر مست کننده ای حرام است. (عیاشی، ۱۰۵/۱)

۵-۷-۸. سرزنش تشبیه کنندگان

از امام هادی (ع) درباره آیه ی شریفه ی «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ». (زمر/۶۷) پرسیدم، فرمودند: خدای سبحان سرزنش کرده کسی را که او را به خلقت تشبیه می کند، آیا نمی بینید که در صدر آیه می فرماید «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» و خدا را چنان که شایسته است نشناخته اند که می گویند «تمام زمین در روز قیامت، در قبضه ی اوست و

آسمان‌ها پیچیده در دست راست او»، نظیر آنجا که خدای سبحان می‌فرماید: و خدا را آنچنان که شایسته است نشناختند که می‌گویند خدا چیزی را بر بشری نازل نکرده است. سپس خدای سبحان خود را از قبضه و یمین منزه می‌شمارد و می‌فرماید: خداوند پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می‌گردانند. (صدوق، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

۶-۷-۸. عصمت پیامبر (ص)

امام هادی (ع) درباره آیهی «لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ» (فتح/۲) تا خداوند از گناه گذشته و آینده‌ی تو درگذرد. پرسیدند، فرمودند: پیامبر خدا (ص) کدام گناه گذشته و آینده‌ای دارد؟ این گناهان گذشته و آینده‌ی شیعیان علی (ع) است که خدا آن را بر دوش پیامبر (ص) می‌نهد و از همه به خاطر او در می‌گذرد. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۷۳/۲۴)

۷-۷-۸. زکات امام

به متوکل عباسی خبر دادند که امام هادی (ع) آیهی شریفه‌ی «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي...» (فرقان/۲۷) را بر خلیفه‌ی اول و دوم تطبیق می‌کند، متوکل گفت با او چه کار کنیم؟ گفتند، مردم را جمع کن و از او در حضور مردم بپرس اگر همان پاسخ را داد مردم به حسابش می‌رسیدند و اگر غیر آن را گفت نزد یاران خود رسوا می‌شود. متوکل همه قضات و بنی هاشم و یاوران خود را فراخواند و در جمع آن‌ها از امام هادی (ع) پرسید ایشان فرمودند: اینان کسانی هستند که خداوند با کنایه با ایشان سخن گفته و بر ایشان منت نهاده و عییشان را پوشانده است، آیا امیر می‌خواهد آن چه را خدا پوشانده، آشکار کند. متوکل گفت نه نمی‌خواهم. (مجلسی، ۱۳۸۸/۲۱۴: ۵۰)

۸-۷-۸. جواز خواندن کفار با کنیه

متوکل روی یک نویسنده‌ی نصرانی با نام ابا نوح را صدا زد و اطرافیان با کنیه خواندن اهل کتاب را جایز نشمردند. متوکل استفتا کرد و پاسخ‌های گوناگون را شنید از امام هادی (ع) نیز آن را پرسید. امام در پاسخ نوشت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ». (مسد/۱) متوکل فهمید که جایز است، زیرا خدا کافر را با کنیه خوانده است.

۹-۷-۸. خواص برخی آیات قرآن

شیخ طوسی نقل می‌کند که علی بن عمر عطار گفت در روز سه شنبه خدمت امام هادی (ع) رسیدم فرمودند تو را دیروز ندیدم عرض کردم: در روز دوشنبه حرکت به سوی مقصد را دوست ندارم. امام هادی (ع) فرمودند: ای علی! هر که می‌خواهد خدا او را از شر روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح آن سوره‌ی «هل اتی» را بخواند. سپس امام هادی (ع) آیه‌ی «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (شیخ طوسی، بی تا: ۳۸۹) را خواندند. (انسان/۱۱)

۹. تعداد صحابه و شاگردان امام هادی (ع)

برخی از رجالیان تعداد شاگردان آن حضرت را در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، ۱۸۵ نفر. (طوسی، بی تا: ۳۹۶) و برخی آنان را ۸۶ نفر (برخی: ۵۸/۱) (برقی، ۵۸/۱۴۳۳: ۱) دانسته‌اند (معجم الرجال الحدیث آنان را ۲۱۸ و در کتاب مسند امام هادی (ع) ۱۸۰ نفر دانسته‌اند). برخی از شاگردان امام هادی (ع) از جمله افرادی مانند «عبدالعظیم حسنی»، «حسن بن سعید اهوازی»، «ابن سکیت اهوازی»، «ابوهاشم جعفری»، «اسماعیل بن مهران متوکل روی یک نویسنده نصرانی با نام ابا نوح را صدا زد و اطرافیان با کنیه خواندن اهل کتاب را جایز نشمردند. متوکل استفتا کرد.

نتیجه گیری

دوران امام هادی (ع) از بدترین دوران هایی بود که شرایط و شیوه های فعالیت و مبارزه با حاکمان جور در آن دوران سخت و حساس بود. از ویژگی های اخلاقی و بارز امام هادی (ع) پایگاه مردمی است و چون دشمنان به اهمیت پایگاه امام هادی (ع) و نقش آن در تداوم حفظ امام واقف بودند، همواره سعی می کردند که مردم را از امام هادی (ع) دور نگه دارند و میان امت و امام جدایی بنیدازند. امام هادی (ع) برای حفظ اسلام و نیرومند کردن جبهه حق شیوه ی تقیه و فعالیت های خود را بیشتر به صورت تقیه پیش بردند.

- ۱- تثبیت و تبیین امامت: امام هادی (ع) موضوع امامت را در قالب های مختلف در برابر دولتمردان و در برابر مردم مطرح کرد.
- ۲- غیر مشروع دانستن حکومت عباسی: امام هادی (ع) همکاری مردم با دولت عباسیان را ضروری نمی دانست و نامشروع بودن حکومت را اعلام کرد.
- ۳- فراهم کردن زمینه ی غیبت امام زمان (عج): امام هادی (ع) با توجه به اطلاع و آگاهی که از تحولات زمان خویش و فرزندش امام حسن عسگری (ع) داشت می دانست نوه ی عزیزش در پشت پرده قرارخواهد گرفت و با دقت و احتیاط مردم را از این موضوع، مردم را برای پذیرش وجود امام زمان (عج) آماده می کرد.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- ۱- ابن ابی یعقوب، احمد، (۱۳۹۷)، تاریخ یعقوبی، چاپ سوم، ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (بی تا) الذریعه الی تصانیف شیعه، بی جا.
- ۳- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۴۳۳)، علم رجال، جلد ۱، قم، نشر امام صادق (ع).
- ۴- خسرو پناه عبدالحسین، (۱۳۸۸)، جریان شناسی فکری ایران معاصر، تهران، تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۵- سیوطی، جلالالدین، (۱۴۲۵)، تاریخ الخلفاء، قم، انتشارات دارالمعرفه.
- ۶- طبرسی، احد بن علی بن ابیطالب، (۱۴۱۶)، الاحتجاج، چاپ دوم، قم، انتشارات اسوه.
- ۷- طقوش، محمد سهیل، (۱۳۸۰)، دولت عباسیان، قم، پژوهشگاه حوزه دانشگاه قم.
- ۸- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، امالی، چاپ اول، قم، نشر اندیشه هادی.
- ۹- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۵)، رجال طوسی، قم، نشر منشور اسلامی.
- ۱۰- عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، وسایل الشیعه، ج ۱۲، بیروت، دارالحیا التراث العربی.
- ۱۱- عمید، حسن، (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- ۱۲- عیاشی، محمد بن سعود، (بی تا)، تفسیر العیاشی، ج ۱، قم، نشر مکتبه العلمیه السلمیه.
- ۱۳- قمی، شیخ عیاش، (۱۳۲۵)، تنها المنتهی الی اوقایه الامام خلفا، ج ۲، تهران، کتابخانه مرکزی.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۸)، بحار الانوار، چاپ ۵، قم، انتشارات اسلامی.
- ۱۵- شریفی، محمود، (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع سخنان امام هادی (ع)، قم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل.
- ۱۶- مسعودی، علی بن حسین، (۱۹۸۵)، الشافعی، ج ۲، مروج الذهب، نشر بیروت.

۱۷- معارف اسلامی، (۱۳۸۷)، فعالیت فرهنگی و علمی امام هادی (ع)، ش ۷۴.

۱۸- هادی منش، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، بررسی قیام ها و شورش های زمان امام هادی (ع)، پرتال علوم جامع انسانی، شماره ۱۲۹.